



کشتی بدون ناخدای ایران به کجا می رود؟! سطور زیر، تکرار مکررات و بازنویسی جستاریست که در باره خیزش مردمی دی ماه دو سال پخش شده بود^[1] که پیش بینی کرده بودم، بخاطر عدم رهبری به ثمر نخواهد رسید. شوربختانه امروز نیز با همان مشکل روبرو می باشیم، ولی تفاوت در این است که دیگر هراس ما به ثمر نرسیدن خیزش و ادامه بقای

رژیم نیست، بلکه وحشت از بیراهه رفتن و نابودی ایران است - البته اگر هر چه زودتر ناخدایی برای این کشتی در دریایی متلاطم سیاسی پیدا نشود! ----- آشناپنداری: باز عدم راهبر و از دست دادن فرصت طلایی دیگری! امروز کشور و ملت ایران را می توان به کشتی بادبانی تشبیه کرد که پس از سال ها اسارت در چنگال دزدان دریایی، سرنشینانش باری دیگر توانسته اند در یک حرکت خودجوش جرقه های آزادیش را زده و به امید آزادی و آینده ای بهتر به دریا زنند! ولی مشکلی که این کشتی و سرنشینانش مانند گذشته با آن روبرو می باشند، نداشتن ناخدا در دریای پرتلاطم و توفانی سهمگین پیش روی است! از آن روی، سرنشینان این کشتی، همانند گذشته چون هیچ پیشینه دریانوردی نداشته و نه می دانند که چگونه این کشتی را به مقصد رسانند و حتا نمی دانند که مقصد روشن آن چیست و کجاست، شوربختانه دو سرانجام شوم در انتظارش خواهد بود: ۱ - یا مانند دیمه ۹۶ خواهد بود که پس از یک الی دو هفته اعتراضات سرکوب و ایران همچنان در اشغال و چنگال رژیم باقی خواهد ماند؛ - با این تفاوت که چند صدتن یا حتا چندین هزار قربانی بیگناه از خود بجای خواهد گذاشت! ۲ - یا ربودنش توسط ایرانفروشان[2] و غرق شدن و فرو رفتن به ژرفای "دریای ایرانستان"؛ بهر روی، همانگونه که در بالا ذکر شد، شوند [علت] اصلی شکست خیزش دی ماه ۹۶، که مهم ترین خیزش ملی و سراسری در تاریخ ۴۰ ساله رژیم بوده، بخاطر نداشتن یک راهبر و پیشوای شناخته شده و مشخصی بود تا با یکپارچه کردن اعتراضات، کانالیزه کردن و یک سازماندهی تشکیلاتی، سرانجام بتوان رژیم روضه خوانان را سرنگون و ایران را آزاد کند! امروز نیز باری دیگر همان جوانان در همان مقطع تاریخی که بسا بزرگتر از دی ماه ۹۶ می باشد قرار گرفته اند و شوربختانه با همان مشکل پیشین روبرو می باشد: عدم یک پیشوای ملی تا راهبری این خیزش خودجوش را بر عهده گیرد! [3] گنهکار کیست و چرا این کشتی بدون ناخداست؟ شوربختانه، دو بزرگترین خُرده گیری که بر ما ایرانیان وارد است، نخست عدم اندیشیدن پیش از انجام کارها و در نظر نگرفتن پسماند های کنش هایمان می باشد، که بهترین نمونه آن شورش ۵۷ بود که بدون اندیشیدن، اکثریتی ساده دل فریب بیگانگان و روضه خوانان را خورده و ایرانمان را به سرنوشت سیه و تگونیختی انداختند که امروز شاهدش می باشیم - و دومین خُرده گیری، خودداری از فراگیری از اشتباهات گذشته است تا نه تنها از تکرار آن ها جلوگیری شود بلکه در زمان تکرار به یک نتیجه مطلوب دست یابیم! [4] از خیزش دیمه ۹۶ می بایستی درس هایی را می آموختیم، بویژه کسانی که خود را راهبر یک جریان ملی یا سیاسی می خوانند تا با آماده ساختن خویش و نیروهای زیر پرچمشان در چنین روزی، سکندار این خیزش خودجوش شوند. ولی شوربختانه نه تنها هیچ درسی فرا نگرفته شده است، بلکه همچنان به رسم، عادت و سنت گذشته، به صدور اعلامیه و بیانیه اکتفا می شود - که بهترین نشانه آن این عدم آمادگی، شعارهایی است که در چند روز گذشته به گوش می رسند! با آنکه این شعارها رژیم و سرانش را نشانه می روند، ولی هر شهری با دیگری متضاد و متغیر است که نشانه عدم سازماندهی تشکیلاتی است! . پایان سخن چیزی که مسلم است بیانه و اعلامیه صادر کردن از سوی یک پیشوای ملی و سیاسی بخشی از فعالیت های موثر است ولی این به تنهایی توان کافی نیست و در کنار آن ها، او باید در نقش یک فرمانده سپاه جنگی قد علم کرده و با برنامه ریزی تشکیلاتی و سازماندهی شده، کشتی ایران و سرنشینانش را به سلامت به مقصد دلخواه که آزادی و برپایی یک نظام ایرانی است برساند. [5] در هر روی، امروز هستی و کین ایران ورجاوند در خطر است - بویژه آنکه شوربختانه باصطلاح اپوزیسیون های ایرانی-نمای مخالف رژیم، "شمار ایرانفروشانشان بمراتب بیش تر از ایرانپرستانشان" می باشد و این عده در قالب و زیر پوشش مخالفت با رژیمی که در حقیقت یکایکشان از همان جنس و قماشند، در زیر یک درفش گرد آمده و دست اتحاد به یکدیگر داده تا ایران کهنسالمان را ایرانستان سازند! ناگفته نماند که این بار سرکوب از سوی رژیم بمراتب شدیدتر و خونین بارتر از کل خیزش های خُرده و بزرگ در ۴۰ سال گذشته خواهد بود، و این نیز می تواند بهانه ای به بیگانگان دهد، تا در زیر پوشش دفاع از حقوق بشر به ایران یورش نظامی آورند، که در چنین صورتی ایران به سرنوشتی همچون لیبی و سوریه دچار خواهد شد! بنابراین، هرگونه غفلتی از سوی ایرانپرستان و ملی گرایان راستین، نه تنها موجب خواهد شد تا این خیزش ملی با ناکامی روبرو شود، بلکه با ربودن و بیراهه بردنش از سوی ایرانفروشان، آنان به نیات پلید و شوم خود دست یابند! فروغ اهورایی، همواره پاسدار و نگهبان ایرانزمین و ایرانیان باد. شاپور سورنپهلو روز شهریور از ماه آبان سال ۳۷۵۷ بهدینی ۲۸ آبان ماه ۲۵۷۸ شاهنشاهی ۱۹ نوامبر ۲۰۱۹ ترسایی بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

× - رونوشت اصل نوشته در
 1 - <http://2XzeHNR/ly.bit> - سورنپهلو، شاپور. "خیزش ملی و اپوزیسیون های سردرگم؛ آینده برای ایران چه رقم زده است؟" - JD92Kx/gl.goo - 2 - ایرانفروشان، شامل مجاهدین [ضد]خلق، توده ای ها، شورشی های پنجاه و هفتی، ایرانستان خواهان [تجزیه طلبان]، فدرالچی ها (بخوانید "ایرانستان خواهان خجالتی")، قشر باصطلاح ملی-مذهبی و جناح دولتی اصلاح طلبان (بخوانید: استمرار خوانان!). 3 - البته بایستی اذعان داشت که شاهدزاده رضاپهلوی، این بار واکنش بهتری نسبت به سال ۹۶ از خود نشان داده است، ولی هنوز نقش یک پیشوای سمت دهنده را ایفا نکرده است که باور این نگارنده بخاطر احاطه کردن ایشان از سوی اعضای "انجمن اسلامی فرشگرد" می باشد. این گروه که اعضایش بلااستثنا حزب الهی های پیشینی می باشند که در قالب مخالفت با رژیم از سوی وزارت اطلاعات به

برونمرزها صادر شده اند تا، از کار آیی شاهزاده تا حد توقف بکاهند! در این مورد به این دو نوشته رجوع شود: -
"اپوزیسیون های باصطلاح برانداز و سیر و سیاحت در عالم هیروت!" - <http://m8jgoP/gl.goo/> - هشدار دربار فرسگرد:
"سیب از درختش دور نمی افتد!" - <http://2HVJNrE/ly.bit/> - 4 - سورنپهلو، شاپور. 'هفتم دیماه، روز آغاز رستاخیز ملی و
شمارش معکوس برای سرتگونی رژیم دیکتاتوری غوغاسالاران مذهبی در ایران' - <http://2r84egp/ly.bit/> - 5 - سورنپهلو.
شاپور. "آزادی ایران و ایرانی در گرو همبستگی ملی و بازگشت به اصل و آرمانهای ایرانیست" - <http://ArgCoR/gl.goo/>
تارنمای شخصی:

<https://suren-pahlav.com/pe> تلگرام: <https://surenpahlav/me.t/> توئیتر: shapoursp.com/twitter/
اینستاگرام: surenpahlav/com.instagram.www/ بالاترین:
<https://www.balatarin.com/users/suren-pahlav>

□

سطور زیر، تکرار مکررات و بازنویسی جستاریست که در باره □ خیزش مردمی دی ماه دو سال پخش شده بود^[1] که در آن
پیش بینی کرده بودم، بخاطر عدم رهبری آن خیزش ملی به ثمر نخواهد رسید. شوربختانه امروز نیز با همان مشکل روبرو
می باشیم، ولی تفاوت در این است که دیگر هراس ما به ثمر نرسیدن خیزش و ادامه بقای رژیم نیست، بلکه وحشت از بیراهه
رفتن و نابودی ایران است - البته اگر هر چه زودتر ناخدایی برای این کشتی در دریای متلاطم سیاسی پیدا نشود.

آشناپنداری: باز عدم راهبر و از دست دادن فرصت طلایی دیگری!

امروز کشور و ملت ایران را می توان به کشتی بادبانی تشبیه کرد که پس از سال ها اسارت در چنگال دزدان دریایی،
سرنشینانش باری دیگر توانسته اند در یک حرکت خودجوش جرقه های آزادی آن را زده و به امید آزادی و آینده ای
بهتر به دریا زنند. ولی مشکلی که این کشتی و سرنشینانش مانند گذشته با آن روبرو می باشند، نداشتن ناخدا در دریای
پرتلاطم و توفانی سهمگین پیش روی است! از آن روی، سرنشینان این کشتی، همانند گذشته چون هیچ پیشینه دریانوردی
نداشته و نه می دانند که چگونه این کشتی را به مقصد رسانند و حتا نمی دانند که مقصد روشن آن چیست و کجاست،
شوربختانه دو سرانجام شوم در انتظارش خواهد بود:

۱ - یا مانند دیماه ۹۶ خواهد بود که پس از یک الی دو هفته اعتراضات سرکوب و ایران همچنان در اشغال و چنگال رژیم باقی خواهد ماند؛ - با این تفاوت که چند صدتن یا حتی چندین هزار قربانی بیگناه از خود بجای خواهد گذاشت.

۲ - یا ربودنش توسط ایرانفروشان[[2]] و غرق شدن و فرو رفتن به ژرفای "دریای ایرانستان".

بهر روی، همانگونه که در بالا ذکر شد، شوند [علت] اصلی شکست خیزش دی ماه ۹۶، که مهم ترین خیزش ملی و سراسری در تاریخ ۴۰ ساله رژیم بوده است، بخاطر نداشتن یک راهبر و پیشوای شناخته شده بود تا با یکپارچه ساختن اعتراضات، کانالیزه کردن و یک سازماندهی تشکیلاتی، سرانجام بتواند رژیم روضه خوانان را سرنگون و ایران را آزاد کند. امروز نیز باری دیگر همان جوانان در همان مقطع تاریخی که بسا بزرگتر از دی ماه ۹۶ می باشد قرار گرفته اند و شوربختانه با همان مشکل پیشین نیز روبرو می باشد: "عدم یک پیشوای ملی تا راهبری این خیزش خودجوش را بر عهده گیرد."[[3]]

گنهکار کیست و چرا این کشتی بدون ناخداست؟

شوربختانه، دو بزرگترین خُرده گیری که بر ما ایرانیان وارد است، نخست "عدم اندیشیدن پیش از انجام کارها و در نظر نگرفتن پسامد های کنش هایمان" می باشد، که بهترین نمونه آن انقلاب مهندسی شده ۵۷ از سوی بیگانگان بود[[4]] که اکثریتی ساده دل، بدون اندیشیدن فریب بیگانگان و روضه خوانان را خورده و ایران را به سرنوشت سیه و نگونبختی انداختند که امروز شاهدش می باشیم؛ - و دومین خُرده گیری، خودداری از فراگیری از اشتباهات گذشته است تا نه تنها از تکرار آن ها جلوگیری شود بلکه در زمان تکرار به یک نتیجه مطلوب دست یابیم. [[5]]

از خیزش دیمه ۹۶ می بایستی درس هایی را می آموختیم، بویژه کسانی که خود را راهبر یک جریان ملی یا سیاسی می خوانند، تا با آماده ساختن خویش و نیروهای زیر پرچمشان در چنین روزی، سکاندار این خیزش خودجوش شوند. ولی شوربختانه نه تنها هیچ درسی فرا نگرفته شده است، بلکه همچنان به رسم، عادت و سنت گذشته، به صدور اعلامیه و بیانیه اکتفا می شود - که بهترین نشانه آن عدم آمادگی، شعارهایی است که در چند روز گذشته به گوش می رسند. با آنکه این شعارها رژیم و سرانش را نشانه می روند، ولی هر شهری با دیگری متضاد و متغیر است که نشانه عدم سازماندهی تشکیلاتی آن ها است.

پایان سخن

چیزی که مسلم است بیانیه و اعلامیه صادر کردن از سوی یک پیشوای ملی و سیاسی بخشی از فعالیت های موثر است ولی این به تنهایی توان کافی نیست و در کنار آن ها، او باید در نقش یک فرمانده سپاه جنگی قدم کرده و با برنامه ریزی تشکیلاتی و سازماندهی شده، کشتی ایران و سرنشینانش را به سلامت به مقصد دلخواه که آزادی و برپایی یک نظام ایرانی

است برساند. [[6]] امروز هستی و کیان ایران ورجاوند در خطر است - بویژه آنکه شوربختانه باصطلاح اپوزیسیون های ایرانی-نمای مخالف رژیم، "شمار ایرانفروشان بمراتب بیش تر از ایرانپرستانشان" می باشد و این عده در قالب و زیر پوشش مخالفت با رژیمی که در حقیقت یکایکشان از همان جنس و قماشند، در زیر یک درفش گرد آمده و دست اتحاد به یکدیگر داده تا ایران کهنسال را ایرانستان سازند!

ناگفته نماند که این بار سرکوب از سوی رژیم بمراتب شدیدتر و خونین بارتر از کل خیزش های خرد و بزرگ در ۴۰ سال گذشته خواهد بود و این نیز می تواند ایران را دچار سرنوشتی همچون لیبی و سوریه دچار سازد. بنابراین، هرگونه غفلتی از سوی ایرانپرستان و ملی گرایان راستین، نه تنها موجب خواهد شد تا این خیزش ملی با ناکامی روبرو شود، بلکه با ربودن و بیراهه بردنش از سوی ایرانفروشان، به نیات پلید و شوم خود دست یابند.

فروغ اهورایی، همواره پاسدار و نگهبان ایرانزمین و ایرانیان باد.

شاپور سورنپهلو

روز شهربور از ماه آبان سال ۳۷۵۷ بهدینی

۲۸ آبان ماه ۲۵۷۸ شاهنشاهی

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

1 - سورنپهلو، شاپور. " خیزش ملی و اپوزیسیون های سردرگم؛ آینده برای ایران چه رقم زده است؟ "

2 - ایرانفروشان، شامل مجاهدین [ضد]خلق، توده ای ها، شورشی های پنجاه و هفتی، ایرانستان خواهان [تجزیه طلبان]، فدرالچی ها (بخوانید "ایرانستان خواهان پنهانی")، قشر باصطلاح ملی-مذهبی و جناح دولتی اصلاح طلبان (بخوانید: استمرار خوانان!).

3 - البته بایستی اذعان داشت که شاهزاده رضاپهلوی، این بار واکنش بهتری نسبت به سال ۹۶ از خود نشان داده است، ولی هنوز نقش یک پیشوای سمت دهنده را ایفا نکرده است که باور این نگارنده بخاطر احاطه کردن ایشان از سوی اعضای "انجمن اسلامی فرشگرد" می باشد. این گروه که اعضایش بلاستنا حزب الهی های پیشینی می باشند، در قالب مخالفت با رژیم از سوی وزارت اطلاعات به برونمرزها صادر شده اند تا از کارآیی شاهزاده تا حد توقف بکاهند! در این مورد به این

دو نوشته رجوع شود:

"-اپوزیسیون های باصطلاح برانداز و سیر و سیاحت در عالم هیپروت!"

-هشدارى درباره فرسگرد: "سبب از درختش دور نمى افتد!" - <http://bit.ly/2HVJNrE>

4 - سورنپهلو، شاپور، "از توطئه تا انقلاب مهندسى شده ۵۷: چرا و چگونه بریتانیا، آمریکا و هواداران صهیونیسم جهانی، نظام شاهنشاهی را سرنگون ساختند؟"

5 - سورنپهلو، شاپور. 'هفتم دیمه، روز آغاز رستاخیز ملی و شمارش معکوس برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری غوغاسالاران مذهبی در ایران' - <http://bit.ly/2r84egp>

6 - سورنپهلو. شاپور. "آزادی ایران و ایرانی در گرو همبستگی ملی و بازگشت به اصل و آرمانهای ایرانیست"

کشتی بدون ناخدای ایران به کجا می رود؟

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
سه شنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۸ ساعت ۰۴:۱۳

تارنمای شخصی: <https://pe/com.pahlav-suren/>

تلگرام: <https://surenpahlav/me.t/>

توییتر: <https://shapoursp/com.twitter/>

اینستاگرام: <https://surenpahlav/com.instagram.www/>

بالاترین: <https://surenpahlav/users/com.balatarin.www/>

□